

تقابل نهادین در جامعه مسلمانان روسیه و بهره گیری مسکو- کرملین از آن

سیده مطهره حسینی^۱

پژوهش حاضر موقعیت مسلمانان روسیه را در دو سطح روابط مسلمانان با یکدیگر و روابط مسلمانان و کلیسا بررسی می‌کند. در این مقاله، رقابت‌ها و هم‌آوردی‌هایی که میان رهبران مسلمان و سازمان‌های اسلامی فدراسیون روسیه وجود دارد، تشریح شده و چگونگی بهره‌گیری دولت روسیه از این هم‌آوردی‌ها نیز مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین سازمان اداری-دینی رهبری مسلمانان روسیه نیز بررسی شده است. رقابت میان سازمان‌های اسلامی و کلیسای روسیه نیز به عنوان دومین هم‌آورد اسلام و مسلمانان (در کنار دولت) موضوع دیگری است که در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد. فرضیه مقاله این است که ویژگی اصلی اسلام در روسیه، تقابل نهادین میان رهبران و سازمان‌های مرکزی مسلمانان روسیه با یکدیگر از یک سو و میان همین رهبران و سازمان‌ها با کلیسای ارتدوکس (با پشتیبانی دولت روسیه) از سوی دیگر است. دولت مرکزی (مسکو-کرملین) با هدف پایش مسلمانان و جلوگیری از نیرومند شدن آنان از تقابل نهادین میان رهبران برجسته و سازمان‌های مرکزی مسلمانان روسیه بهره برداری می‌کند.

واژگان کلیدی: مسلمانان روسیه، راویل عین الدین، طلعت تاج الدین، کلیسای ارتدوکس روسیه.

^۱ عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران.

مقدمه

پس از فروپاشی شوروی، سرزمین روسیه از نظر اقلیمی و اجتماعی دچار دگرگونی‌های اساسی شد. در این برهه، مسلمانان روسیه پس از هفتاد سال فرصت یافتند تا فرهنگ و سنن خود را باز جویند. هویت اسلامی در سرزمین‌های گوناگون مسلمانان از ویژگی‌های خاص آن اقلیم تبعیت می‌کند. از این رو، هویت‌های گوناگون بومی-محلی در سرزمین‌های مسلمان نشین روسیه به چشم می‌خورد. در این میان، نوزایی اسلامی در روسیه از پیامدهای دگرگونی‌های اجتماعی و آزادی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی روسیه بود. اما این پدیده نیز تابع قوانین کلی این سرزمین بود و از این رو با چالش‌های نهادینه‌ای رویارو شد. البته جریان نوزایی دینی در روسیه و جامعه مسلمانان این کشور، افزون بر مسائل محلی با دشواری‌های فرا محلی نیز رو به رو گردید. پرسش اصلی مقاله حاضر این چالش‌ها را مد نظر دارد و می‌پرسد: جامعه مسلمانان روسیه در سطح ملی و کلان با چه نیروهایی رو در رو است؟ منظور از جامعه مسلمانان، افراد (مسلمانان)، نهادها و رهبران (مفتیان) می‌باشد. منظور از نیروهای رویارو، نیروهای فردی و سازمانی می‌باشد که توان رویارویی در سطح کلی و کلان با تشکیلات مسلمانان را دارند.

فرضیه مقاله بیان می‌دارد که ویژگی اصلی اسلام در روسیه، تقابل نهادین میان رهبران برجسته و سازمان‌های مرکزی مسلمانان روسیه از یکسو و میان کلیسای ارتدوکس (با پشتیبانی دولت روسیه) از سوی دیگر وجود دارد. دولت مرکزی (مسکو-کرم‌لین) با هدف پایش مسلمانان و جلوگیری از نیرومند شدن آنان از تقابل نهادین میان رهبران برجسته و سازمان‌های مرکزی مسلمانان روسیه بهره برداری می‌کند.

مسلمانان روسیه: گذشته و حال

از نظر تاریخی، حضور دیرپای مسلمانان در روسیه به دوران مغولان یعنی سده ۱۳ میلادی باز می‌گردد. مغول‌ها پس از فتح چین وارد استپ‌های روسیه شدند و با شکست دادن اقوام کوچ نشین مسلمان از سده چهاردهم میلادی در تاتارستان ساکن شدند و در همان زمان به دین اسلام نیز گرویدند. با تصرف مسکو و دو سده حکمرانی تاتارها در روسیه، برگی در تاریخ روسیه ورق خورد که هیچگاه توسط روس‌ها و اسلاوها فراموش نشد: حمله مغول و تصرف مسکو به عنوان پایگاه مسیحیت ارتدوکس توسط اقوام مسلمان و تشکیل

حکومت کیفی به مدت دو سده. از آن پس عامل اسلام در تاریخ روسیه وارد شد و در سده‌های بعدی، مسلمانان به عنوان بزرگترین اقلیت روسیه (به ویژه پس از جنگ‌های ایران و روسیه در میانه و پایان سده نوزدهم و الحاق مناطق مسلمان نشین آسیای مرکزی به سرزمین روسیه) نقش مهمی در ساختار اجتماعی روسیه بازی کرده‌اند.

هم اکنون شمار مسلمانان روسیه بیش از ۲۰ میلیون نفر ذکر شده است که ۱۳/۸٪ از جمعیت ۱۴۵ میلیون نفری فدراسیون روسیه را شامل می‌شوند.^۱ (Hunter, 2003: 43) با وجود شمار بالای جمعیت مسلمانان روسیه، آنها در تشکیل هویت رسمی نقشی ندارند. این در حالی است که جمعیت روسیه به ۱۳۰ تا ۱۳۵ میلیون در ۲۰۱۵ کاهش خواهد یافت (دیاب، خرداد ۱۳۸۵) و با رشد جمعیت کنونی تا آن زمان ممکن است جمعیت مسلمانان روسیه به ۱۵ تا ۱۷ درصد کل جمعیت روسیه - بدون احتساب مهاجران مسلمان - برسد (Malashenko, 2006: 18) یا حتی شمار مسلمانان از مسیحیان ارتدوکس هم بیشتر شود (ابراهیمی ترکمان، ۱۳۸۸: ۳) زیرا بر اساس آمارهای رسمی دولت روسیه، جمعیت اسلاوهای روسیه هر ساله حدود یک میلیون نفر کاهش می‌یابد ولی جمعیت خانواده‌های مسلمان به دلیل علاقه آنان به داشتن فرزندان بیشتر همواره در حال افزایش بوده است. (براری، ۱۳۸۸: ۳۳) بر اساس پیش بینی جامعه شناسان روس در سال ۲۰۲۰ از هر ۵ شهروند روس یک نفر مسلمان خواهد بود. (ایراس، بهمن ۱۳۸۴: ۲۳) این افزایش جمعیت در شهرهای مرکزی بزرگ روسیه بسیار ملموس خواهد بود. برای نمونه، جمعیت مسلمان مسکو در ۱۹۸۹، ۲۵۰ هزار نفر بود که در دهه ۱۹۹۰ به یک میلیون نفر رسید. این در حالی بود که سیاست‌های تبعیض علیه مسلمانان به شدت اجرا می‌گردید. ساده‌ترین نمونه آن، اخراج هزاران مسلمان مهاجر از مسکو بود. (Maryniak, 1999: 53)

۱. شمار مسلمانان روسیه بر اساس آمار رسمی دولت، ۱۴.۵ میلیون نفر است. این آمار آنقدر غیر واقعی است که حتی کسانی چون الکسی مالاشکو، مدیر گروه مسلمانان در دفتر کارنگی روسیه آن را نپذیرفته است. مالاشکو شمار مسلمانان را ۲۰ میلیون نفر - با در نظر گرفتن مهاجران - ذکر می‌کند و می‌افزاید: ۱۲٪ مردم روسیه مسلمان هستند. بر طبق آمارها ۲-۱.۵ میلیون آذربایجانی، ۱-۰.۸ میلیون ازبک و بیش از یک میلیون قزاق، قرقیز و تاجیک به صورت دائم یا غیر دائم و همگی به صورت غیر قانونی در روسیه زندگی می‌کنند. (Malashenko, 2006: 15) برخی از منابع، تعداد مسلمانان روسیه را ۳۰ میلیون نفر برآورد کرده‌اند. حتی ج. س. مارکوس فعال مسلمان می‌گوید در روسیه از هر ۵ نفر یکی مسلمان است. (مارکوس، ۱۳۸۸: ۹۳).

سازمان‌های اداری مسلمانان

جمعیت مسلمان روسیه در دو منطقه ساکن شده‌اند: قفقاز شمالی (یا روسیه جنوبی) و منطقه ولگا- اورال. بزرگ‌ترین منطقه مسلمان نشین در مرکز ولگا- اورال در جمهوری‌های تاتارستان و باشقیرستان قرار دارد که شمار جمعیت مسلمان آن حدود ۴ میلیون نفر است. در قفقاز شمالی اسلام، کیش بیشتر مردم داغستان، اینگوش، چچن، کاباردینو- بالکار و قره‌چای- چرکس^۱ است. بدین ترتیب مسلمانان اکثریت را در هفت بخش از هشت بخش فدراسیون روسیه تشکیل می‌دهند: تاتارستان، باشقیرستان، چچن، داغستان، اینگوش، کاباردینو- بالکار و قره‌چای- چرکس. تقریباً ۳/۲ میلیون مسلمان در روسیه مرکزی زندگی می‌کنند. به علاوه بین ۲ تا ۳ میلیون مسلمان در داخل یا اطراف مسکو و سنت پترزبورگ زندگی می‌کنند. افزون بر آن در سیبری و شرق دور نیز مسلمانان ساکن هستند. (Hunter, 2003: 45) به طور کلی، دو جمهوری تاتارستان و داغستان، بزرگ‌ترین مسلمان نشین‌های فدراسیون روسیه هستند. (Pilkington & Yemelianova, 2003: 168) در عین حال مردم این دو جمهوری و جمهوری‌های منطقه ولگا- اورال و روسیه مرکزی، بومیان روسیه هستند که پا به پای روس - اسلاوها در تاریخ این سرزمین حضور داشته‌اند. بیشتر مسلمانان روسیه اهل تسنن و پیرو مذهب حنفی هستند. برخی از مردم شمال قفقاز نیز شافعی هستند. دو دسته مالکی و حنبلی در سرزمین روسیه رواج ندارد. (ابراهیمی ترکمان، ۱۳۸۸: ۱۱۲) جامعه مسلمانان روسیه بر اساس نهادها و ساختارهایی که در راس آنها مفتی‌ها قرار دارند، اداره می‌شود. مفتی‌ها، امامان مساجد، وعاظ و مسئولان اجرایی امور دینی مردم هستند. در روسیه برای اینکه سازمان یا انجمنی تاسیس شود، بایستی آن را در وزارت دادگستری روسیه ثبت کنند. پس از فروپاشی شوروی شمار زیادی از این نهادها از سوی مسلمانان ثبت شده‌اند. در راس همه این نهادها دو سازمان متمرکز وجود دارند که بیشتر نهادهای اسلامی روسیه زیر نظارت حقوقی آن دو فعالیت می‌کنند.

«مرکز روحانی مسلمانان روسیه»^۲ و «شورای هماهنگ کننده مفتیان روسیه»^۳ دو سازمان جدا از هم هستند که رهبری مسلمانان روسیه را برعهده دارند. رهبری شورای

^۱. Kabardino_Balkarira and Karachay_Cherkessia

^۲. Central Spiritual Board of Muslims (TSDUM)

^۳. Coordinating Council of the Muftis of Russia

مفتی‌های روسیه هر چهار سال انتخاب می‌شود و اکنون «راویل عین‌الدین»^۱ ریاست این نهاد عالی مسلمانان روسیه را برعهده دارد. «طلعت تاج‌الدین»^۲ رهبر «مرکز روحانی مسلمانان روسیه» با مرکزیت اوقاف، باشقیرستان است و با عین‌الدین بر سر اداره امور مسلمانان روسیه رقابت شدیدی دارد. دولت مرکزی روسیه از این رقابت بهره برده چه بسا آن را تشدید می‌کند و با سیاست یکی به نعل، یکی به میخ می‌کوشد تنور این هماوردی را داغ نگه دارد. مسکو از تنش میان رهبران مسلمان برای اداره سازمان‌های اسلامی استفاده می‌کند. این در حالی است که تاج‌الدین به خاطر فعالیت‌های نامعمول قوم‌گرایانه و گاه شگفت‌آوری که انجام می‌دهد، مورد توجه مسلمانان روسیه نیست. او گاه از سوی نهادهای دولتی و عمومی به خاطر بیش از اندازه متجدد بودن و موضع‌گیری در برابر تندروی اسلامی و وهابیت مورد توجه قرار می‌گیرد. مسکو بر این باور است اگر به سازمان تاج‌الدین میدان بدهد، تندروی اسلامی در مخالفت با این سازمان بسیار متجدد که از دوره شوروی باقی مانده، بیشتر رشد خواهد کرد. از این رو گاه به سوی راویل عین‌الدین می‌رود، به ویژه از آن رو که «شورای مفتیان روسیه» و شخص عین‌الدین و اطرافیان وی مورد توجه بیشتر مسلمانان دیندار روسیه هستند. افزون بر این، شورای مفتی‌های روسیه از نظر سازماندهی منسجم‌تر می‌باشد و با دفاتری که در مسکو و غازان دارد به مرکز اداری روسیه نزدیک‌تر است و در مجموع از جایگاه برتری نسبت به «مرکز روحانی مسلمانان روسیه» برخوردار است. گاه نیز دولت، رقیب تازه‌ای را وارد میدان می‌کند و با پشتیبانی از او و سازمان و نهادهای زیر امرش، می‌کوشد این دو رهبر و سازمان‌های زیر نظارت آنها را تضعیف کند.

طلعت تاج‌الدین معمولاً با مسکو همسو است، اما با اعلام جهاد علیه ایالات متحده، - هنگامی که ایالت متحده به عراق و افغانستان حمله کرد- پوتین را آزد. عین‌الدین هم به خاطر رویکردهای مستقل‌تر و هم به خاطر نزدیکی به فعالان مسلمان که گاه مخالف دولت روسیه هستند، مورد پسند کرملمین نیست.

سازمان‌های دیگری نیز مسئول امور مسلمانان روسیه هستند که در مقایسه با این دو نهاد، کوچک و کم‌اهمیت هستند. شاید مهمترین آنها «مرکز هماهنگ کننده مسلمانان قفقاز شمالی»^۳ به رهبری اسماعیل بردیف است. بردیف همچنین سرپرست دادگاه عالی

^۱. Ravil Gainudin (Равиль Исмагилович Гайнутдинов)

^۲. Talgat Tadzhuiddin (Талгат Сафич Гадзетдинов)

^۳. The Coordination Center of Muslims of North Caucasus

شریعت روسیه می‌باشد. (براری، ۱۳۸۸: ۳۸) و (Globe, 2009) رهبران این ساختارهای مذهبی در «شورای امور مذاهب» زیر نظارت ریاست جمهوری روسیه عضو هستند که مسائل ادیان روسیه در آن بررسی می‌شود.

همین نهادها و رهبران اصلی آنها، نشان از تقسیم سازمان‌ها و رهبران مسلمانان روسیه بر پایه سنجه‌های قومی و جغرافیایی دارند. به همین دلیل است که بنیانی بودن نقش قومیت و جغرافیا در میزان قدرت و نفوذ جریان‌ها و سازمان‌های روسیه امروز آشکار می‌گردد. دو سازمان اصلی روسیه - «مرکز روحانی مسلمانان روسیه» و «شورای هماهنگ‌کننده مفتیان روسیه»- و رهبران آنها نماینده دو گروه رقیب رهبری مسلمانان روسیه هستند: باشقیرها (به رهبری تاج‌الدین) و تاتارها (به رهبری عین‌الدین).

در اولویت‌های مورد تایید نهادهای رسمی- دولتی روسیه، جایگاه مسلمانان جنوب روسیه به عنوان پیرو در نظر گرفته شده است و بنابراین این مسلمانان که سنتی‌تر از مردم شمال، مرکز و غرب روسیه هستند و از پیوستن اجباری و خونبارشان به سرزمین روسیه بیش از ۲۰۰ سال نمی‌گذرد، گرایش بیشتری به نسخه‌های اسلام غیر روسی دارند که در خارج از این فدراسیون تبلیغ و وارد روسیه می‌شود. در روسیه جنوبی (قفقاز شمالی) دو منطقه تنش‌زای چچن و داغستان واقع شده‌اند. این سرزمین‌ها در جنگ‌های سده هجده ایران و روس به روسیه پیوستند. پایداری مردم این منطقه در برابر روس‌ها با خشونت و قتل عام‌های گسترده از سوی روس‌ها تلافی شد. در دوره پس از سقوط تزارها در روسیه به ویژه در دوران شوروی به خاطر ناهمسویی آنان با سیاست‌های شوروی و به ویژه شرکت نکردن در جنگ جهانی دوم، قتل عام دیگری در این منطقه از سوی دولت و نیروهای نظامی روس روی داد. در این قتل عام‌ها معمولاً نیمی از جمعیت منطقه از میان می‌رفتند. آخرین کشتار در دوران جنگ‌های چچن در دوران یلتسین انجام شد که یک چهارم مردم منطقه (به ویژه چچن‌ها) در آن کشته شدند و شمار بیشتر آواره گردیدند. (Margolis, 2010). مسلمانان این منطقه، بر خلاف مسلمانان ولگا- اورال از درجه شهرنشینی و رفاه بسیار پایینی برخوردار بوده و به برداشت‌های سنتی و یا بسیار سنتی از اسلام گرایش دارند. آنان در ساختار رسمی- دولتی اسلام روسی، پیرو مرکز (از نظر دینی تاتارستان و باشقیرستان و از نظر اداری مسکو- سنت پترزبورگ) در نظر گرفته می‌شوند.

تقابل و تعامل دولت روسیه با رهبران و سازمان‌های اسلامی

مسکو با هدف پایش مسلمانان ترجیح می‌دهد نهادهای مسلمانان رو در روی یکدیگر قرار گیرند. این سیاست با پشتیبانی گاه به گاه از یکی از این نهادها دنبال می‌شود. از آنجا که اداره چند سازمان یکپارچه آسان‌تر از اداره سازمان‌های متعدد و بدون رهبر مشترک است بنابراین مسکو ترجیح می‌دهد سازمان‌های اداری-دینی مسلمانان زیر نظارت دو یا چند رهبر روحانی مشخص باشند. مسکو ترجیح می‌دهد این رهبران روحانی از طیف متجدد و نزدیک به دولت و کلیسا باشند ولی به خاطر نیرومندی طیف‌های دیگر ناگزیر است به آنها نیز توجه کند.

روحانیان مسکو را در سه دسته محافظه کار، تندرو و پیشرو می‌توان قرار داد. گروه محافظه کار را روحانیان متعلق به زمان شوروی تشکیل می‌دهند که از اسلام سنتی طرفداری می‌کنند و به دنبال نقش جدی برای اسلام و مسلمانان در حوزه سیاست و جامعه نیستند. «طلعت تاج الدین» را می‌توان رهبر این گروه در روسیه دانست. اسلام تندرو بیش از تکیه بر طبقه‌ای از روحانیان به گونه‌ای از اندیشه دینی و اسلامی وابستگی دارد که در قالب حرکات و جنبش‌های گوناگون، بیشتر در قفقاز و گاه مناطق مرکزی روسیه بروز کرده است. اسلام پیشرو نیز خط مشی گروهی از روحانیان جوان باقی مانده از دوره شوروی و همچنین نسل تازه روحانیان روسیه است که افزون بر گسترش آموزش‌های اسلامی در صد آشنایی اعضای خود به دانش و آگاهی‌های روز و افزایش نقش مسلمانان روسیه در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی هستند. شیخ راویل عین الدین مفتی مسکو و بخش اروپایی روسیه و بسیاری از روحانیان همراه وی را در سرتاسر روسیه می‌توان در این بخش قرار داد. این گروه تعامل جدی‌تری با دولت و کلیسای ارتدوکس دارد و خواستار نقش جدی اسلام در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی روسیه است. چنان که به نظر می‌رسد زمان نیز به سود آنان سپری خواهد شد. (سنایی، ۱۳۸۵: ۷۶-۷۷)

مسکو با ایجاد تنش و رقابت میان طیف محافظه کار و طیف پیشرو می‌کوشد چیرگی خود بر دستگاه اداری-دینی مسلمانان را حفظ کند ولی همین سیاست به نیرومند شدن طیف تندرو به ویژه به خاطر سرخوردگی از سیاست‌های ضد و نقیض حکومت می‌شود.

رهبران مسلمان برای افزایش قدرت سازمان‌های اسلامی و پاسخ به انتقاداتی این چنین، یکپارچه شدن تشکیلات اسلامی به ویژه با هدف کاهش تضادها و رقابت‌ها را طرح کرده‌اند. از سوی دیگر، ساختار متمرکز دیوان سالاری روسیه، گرایش به یکپارچه شدن نهادهای اداری دارد و از این رو، همواره یکی شدن، ایجاد تشکیلات عمودی با رهبری کانونی و یگانه یا اتحاد و ائتلاف نهادها در این ساختار نتیجه بخش بوده و از آن رو که رسیدن به اهداف مشترک را تضمین می‌کند، مطلوب است. بدین سان طرح ایجاد مرکز مشترکی با رهبری یگانه مسلمانان جدی می‌شود. آخرین باری که رهبران مسلمان با هماهنگی مسکو تصمیم گرفتند این طرح را به صورت جدی دنبال کنند به خاطر خودداری طلعت تاج الدین از پذیرش تشکیلات جدید شکست خورد. در طرحی که برای یکپارچه کردن " اداره‌های روحانی مسلمانان روسیه " ^۱ داده شده بود تا رهبری همه تشکیلات مسلمانان یکی شود، خود طلعت تاج الدین پیشنهاد کرده بود از میان رهبران شناخته شده یک رهبر برای تشکیلات مسلمانان روسیه برگزیده شود ولی هنگامی که دید آنکه باید کنار برود خودش است از این برنامه کنار کشید. او پیش بینی کرده بود که اگر رهبری مسلمانان یکی شود او به این مقام برگزیده می‌شود. احتمالاً دلیل اینکه او از این موضوع اطمینان داشته، قول حمایت برخی از گروه‌های منتقد در دولت مرکزی بوده است. تاج الدین به خاطر موضع گیری‌های همسو با دولت مرکزی و حتی جانبداری آشکار از منابع و خواسته‌های کلیسای ارتدوکس مشهور است. (Russia Weekly, 2003) رهبری تاج الدین از جهت دیگری نیز به سود دولت مرکزی بود. از آنجا که او از مسکو، پایتخت فدراسیون روسیه دور است و در اوفایا به سر می‌برد بنابراین برتری او بر دیگر رهبران مسلمانان روسیه موجب کاهش نفوذ و قدرت تشکیلات مسلمانان می‌شود. ولی چون راویل عین الدین و تشکیلات او در مسکو مستقر است، رهبری و حضور او در پایتخت موجب فشار بر مسکو- کرملین می‌گردد.

این آخرین طرح تاج الدین بود که همانند بیشتر طرح‌های پیشنهادی پیشین او به جایی نرسید. هرچند دلیل اصلی آن است که میان ۶۴ مفتی روسیه، روابط دوستانه‌ای وجود ندارد و از نظر تاریخی هیچگاه وجود نداشته است. همچنین دیگران به خاطر دشواری‌هایی

^۱ - Russia's Muslim Spiritual Directories (DUMs)

که پیش بینی می‌گردید با یکپارچه شدن همه تشکیلات مسلمانان پدید آید با این طرح مخالفت کردند.

با اینکه برخی نهادها در مسکو از این برنامه پشتیبانی می‌کردند، برخی دیگر به درستی تشخیص داده بودند که وحدت در رهبری مسلمانان روسیه برای مسکو-کرملمین بسیار خطرناک است. رومن سیلاتیف^۱ نویسنده و اندیشمند نزدیک به کلیسا که در کتاب‌ها، مقاله و گفتگوهای رسانه‌ای خود می‌کوشد سیمای رهبران مسلمان روسیه را به چالش بکشد از شکست این پیشنهاد حمایت کرد. می‌توان دیدگاه او را دیدگاه کلیسای ارتدوکس روسیه دانست. دستگاه امنیتی روسیه که در تشکیلات روحانیت مسلمانان به طور کلی و به ویژه در "مرکز روحانی مسلمانان روسیه" نفوذ داشته و در تصمیمات شورای مرکزی آن دخالت می‌کند با یکپارچه شدن تشکیلات مسلمانان و برگزیدن رهبری واحد در راس رهبران نهادهای گوناگون مسلمانان مخالف است. اگر چه نخست وزیر پوتین و سرویس امنیتی فدرال^۲ از رهبری تاج الدین پشتیبانی کردند ولی از وضعیت کنونی یعنی نقشه بر آب شدن کل این برنامه بیشتر خشنود هستند زیرا شکاف میان رهبران مسلمانان را ژرف‌تر کرد.

با شکست این طرح (یعنی انتخاب رهبر مسلمانان از سوی مفتیان)، پیشنهاد دیگری از سوی گلیم جان بیم‌الین^۳ رهبر "مرکز روحانی مسلمانان روسیه" تیمون^۴ داده شد. او ضمن حمایت از یکی شدن رهبری مسلمانان روسیه، خواستار برگزاری انتخابات دمکراتیک برای برگزیدن رهبر مسلمانان شد. این نقشه نیز به زیان حکومت مرکزی بود زیرا اگر به انجام برسد و رهبری مسلمانان با انتخاباتی که نزدیک به ۲۰ میلیون مسلمان واجد شرایط رای دادن در آن شرکت می‌کنند، برگزیده شود یک دولت در درون دولت مرکزی پدید می‌آید؛ دولتی که همه اعضای آن مسلمان هستند. ولی بیشتر این احتمال می‌رود که انتخابات سالم برگزار نشده و رقابت منفی میان رهبران مسلمان به شکلی ساختاری تشدید شود که این نیز به ناپایداری نهادینه رهبری و سازمان‌های مسلمان روسیه می‌انجامد و باز به زیان دولت مرکزی است. همه این دلایل دست به دست هم دادند تا برنامه یکپارچه کردن سازمان رهبری مسلمانان روسیه در نطفه خفه شود. (Globe, 2009)

¹. Roman Silantiev . Russian: Роман Анатольевич Силантьев

². Federal Security Service (FSB)

³. Galimzhan Bimullin

⁴. Tumen

ترکان مسلمان در برابر روس‌های اسلاو و ارتدوکس

دین در روسیه از جایگاه سیاسی پراهمیتی برخوردار است. هویت روسی، هویت اسلاو و ارتدوکس است. در بسیاری از مسائل، اسلاو بودن، روس بودن و ارتدوکس بودن به یک معنا است یا شروط یکسانی طلب می‌کند. کلیسای ارتدوکس روسیه همواره در تاریخ این کشور نقش پر اهمیتی داشته و خواسته‌هایش به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر سیاست‌های دولتی و برنامه‌های اجتماعی اعمال می‌شده است. هم اکنون اسقف اعظم الکسی دوم، رهبر کلیسای ارتدوکس روسیه از نظر اهمیت سیاسی در میان مقامات و تصمیم سازان روسیه یکی از ۱۵-۱۰ شخصیت برجسته می‌باشد. کلیسا در ارتش و دبستان‌ها نفوذ دارد و برنامه‌هایی برای گسترش نفوذ در نهادهای آموزشی نیز دارد. (Malashenko, 2006: 17) حتی در دوران شوروی نیز نفوذ کلیسا در جامعه روس کم و بیش احساس می‌شد. کلیسای جامع سن باسیل در میدان سرخ مسکو^۱ نماد هویت روسی است (Gusejnov, 2005: 114) که همواره و در هر برهه زمانی در آن - از جمله در دوران شوروی - عنصر اسلاو با عامل ارتدوکس همراه بوده است.

امروز کلیسای روسیه، دو خطر جدی در برابر خود می‌بیند. یکم بی دینی یا فرهنگ سکولار است که هم در سطح جامعه و دولت روسیه و هم در سطح جهانی با عنوان آنچه پدران کلیسا و روس‌های اسلاو به صورت مشترک «فرهنگ منحط غرب» می‌نامند، ترکنازی می‌کند. خطر دوم برای کلیسا - از نظر دینی - و برای اسلاوها - از نظر فرهنگی و نژادی - اسلام و قوم‌های مسلمان است.

بنابراین مسلمانان روسیه افزون بر اینکه با نهادها و گروه‌های مسلمان و نیز با ساختارهای دولتی رویارو هستند با نهاد قدرتمند کلیسا نیز در رقابت هستند. فضای سیاسی و فرهنگ اجتماعی فدراسیون روسیه به گونه‌ای ساخت‌بندی شده که دو نیروی روس - اسلاو - ارتدوکس و ترک - مسلمان از هم جدا شده و گاه در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند. از آنجا که هویت فرهنگی امروز و تاریخ گذشته روسیه بر پایه نژاد اسلاو و آیین ارتدوکس شکل یافته، هویت‌ها، فرهنگ‌ها و ساختارهای اجتماعی - سیاسی غیر روس، غیر اسلاو و غیر ارتدوکس یک «غیر» یا «دیگری» در نظر گرفته می‌شود. در واقع هویت و فرهنگ اسلامی و تاریخ دیرپای حضور مسلمانان در روسیه از آن رو که بزرگ‌ترین اقلیت

^۱ - St Basil's Cathedral in Red Square

نژادی، قومی، فرهنگی، زبانی و دینی روسیه هستند، بزرگ‌ترین چالش نیز برای اکثریت روس- ارتدوکس این کشور است.

در جامعه علمی روسیه نیز پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و رشد نظریه پردازی‌های دانشگاهی در روسیه، طیف جدیدی از نظریه‌ها در این کشور ارائه شده که مانند همیشه بر پایه «نظریه‌های توطئه» پرداخته شده و روسیه را در محاصره دشمنان توصیف می‌کند. این نظریه‌ها به جز دشمن خارجی همچنین از یک دشمن داخلی و همیشگی نام می‌برند که منظورشان اسلام است. (Gusejnov, 2005: 115)

قانون اساسی روسیه، «جایگاه ویژه» اسلام را به رسمیت شناخته، اما برای بسیاری از روس تبارها، اسلام تهدیدی برای یکپارچگی سرزمینی و هویت روسی است. به ویژه از آن رو که تاریخ معاصر روسیه، پسروی این کشور از سرزمین‌های مسلمان را در کارنامه این امپراتوری پیشین ثبت کرده است. در دهه ۱۹۸۰، روسیه از افغانستان و در دهه ۱۹۹۰ از آسیای مرکزی پسروی کرده است. هم اکنون حتی در جمهوری‌های تاتارستان و باشقیرستان - که مسلمانان بومی روسیه در آنجا زندگی می‌کنند- هویت‌های اسلامی مشخصی تعریف شده است. این در حالی است که در مرزهای جنوبی روسیه اندیشه‌های جدایی طلبانه، نیرومند است و همین که از فشار دولت مرکزی کاسته می‌شود، این خواسته‌ها نمایان می‌شوند. جمهوری‌هایی که در مرزهای جنوبی روسیه واقع شده‌اند از نزدیک به ۲۵۰ سال پیش و با جنگ‌های خونبار به روسیه پیوسته شده‌اند و از این رو زمینه‌های جدایی طلبی در آنها همواره نیرومند بوده است. هرچند باید توجه داشت که یکی از دلایل نیرومند شدن گرایش‌های اسلامی و حرکت آن به سوی تندروی، نیرومند شدن کلیسای ارتدوکس است. اگرچه قوم‌های روس و مسیحیان، کلیسای نیرومند را به عنوان جایگزین و نیرویی در برابر کمونیسم قلمداد می‌کنند و با رویکرد مثبتی آن را می‌پذیرند برای مسلمانان نیرو گرفتن کلیسا یادآور سده‌ها سر فرود آوردن در برابر اکثریت مسیحی می‌باشد. خاطره فشارهای دینی، روسی کردن اجباری و اخراج و تبعید گروهی همواره به روح مسلمانان چنگ می‌زند.

نامه‌ای که طلعت تاج الدین^۱ در آستانه سال ۲۰۰۰ و آغاز هزاره سوم مسیحی به پدر الکسی دوم، اسقف اعظم روسیه و اعضای معتمد کلیسا نوشته است بسیار جالب و ارزشمند

^۱. Chairman of the Central Moslem Board for Russia and The European CIS (CMBRE)

است زیرا آشکارا رویکردهای متقابل دو دین بزرگ روسیه و ادعاهای پاسخ‌های هریک را بیان می‌دارد. این نامه در آرشیو سایت رسمی کلیسای ارتدوکس روسیه^۱ در دسترس است. تاج‌الدین درست پس از سلام و شاد باش زاد روز مسیح (ع) پیش از هر چیز مسیحیت و اسلام را دین‌های «سنتی» و «مرسوم» (بومی) در روسیه می‌نامد. تاج‌الدین به چهار سده حضور این دو دین در کنار هم در رویدادهای تاریخ معاصر روسیه اشاره می‌کند و می‌نویسد مسلمانان و مسیحیان با هم در برابر کارل کبیر، ناپلئون و هیتلر ایستاده‌اند. او در این نوشتار به طور مشخص نخستین اعلام جهاد از سوی رهبران مسلمان روسیه در ۱۹۴۱ و هنگام حمله آلمان را مد نظر دارد. تاج‌الدین می‌نویسد ۱۱۰۰ سال پیش نیاکان ما «داوطلبانه» اسلام آوردند و بر داوطلبانه بودن این موضوع آنگاه تاکید می‌کند که در ادامه می‌آورد: «همانگونه که نیاکان شما ۱۱۰۱ سال پیش داوطلبانه مسیحیت را پذیرفتند». تاج‌الدین با طنز و کنایه جالبی بر داوطلبی بودن گزینش اسلام و مسیحیت و بومی و همپا بودن دو دین و بنابراین حقوق و تکالیف یکسان آنها اشاره می‌کند. او قدمت مسیحیت را یک سال بیش از اسلام عنوان می‌کند. او می‌افزاید: «نیاکان ما از افریقا یا قطب جنوب نیامده‌اند بلکه اهل همین روسیه هستند که یک ششم خاک کره زمین را دارد». بنابراین مسلمانان در این کشور حق آب و گل دارند و مملکت ملک طلق مسیحیان نیست. تاج‌الدین به پیوستن مسلمانان از جنوب، شرق و غرب به مرزهای روسیه اشاره می‌کند و اینکه مسیحیان [آنها] از شمال آمدند و کلیساهای مقدس خود را در «سرزمین مقدس روسیه» ساختند. (Tajuddin, 1999)

رویکرد و لحن رهبر مسلمانان روسیه در این نامه بیانگر نظر مسلمانان روسیه درباره سرزمین مادری خود و نیز نگرش دولت، افکار عمومی و کلیسا به آنان می‌باشد. مسلمانان روسیه داخلی به ویژه در منطقه ولگا- اورال به مرزهای روسیه همچون میهن تاریخی خود می‌نگرند زیرا پیشینه حضور آنان در سرزمین‌های کنونی روسیه با حضور مسیحیان و روس‌ها برابری می‌کند. این در حالی است که روس‌ها و ارتدوکس‌ها آنان را غیر و دیگری می‌پندارند.

در پایان نامه، تاج‌الدین از رویکرد مسلمانان داغستان و چچن پوزش می‌طلبد که موجب جدایی معتقدان دو دین شده است. او آنان را حتی شایسته چنین پوزشی نمی‌داند

^۱ Русская православная церковь, Архив официального сайта московского патриархата 1997-2009

بدون اینکه اشاره‌ای به فقر، ستم و کشتارهای تاریخی و امروزی مردم چچن، اینگوش و داغستان کند. رویکرد تاج‌الدین در اعلام عشق و تسلیم به الکسی دوم، التماس‌گونه و خواهش آمیز است. او دستاورد پایان کمونیسم را امید به نجات از بی‌دینی و یافتن اخلاق می‌داند. (Tajuddin, 1999)

اما اکنون رویارویی اسلام و آیین ارتدوکس در سرزمین روسیه یک مسئله هویتی جدی است که با کوفتن جامعه بین‌الملل بر دامن جنگ با تروریسم (یعنی مسلمانان) پررنگ‌تر می‌شود. به ویژه آنکه جامعه و دولت روسیه، بسیار گرایش دارد خود را قربانی این تروریسم (یعنی اسلام) معرفی کند. رویارویی اسلام و کلیسا با رویارویی مسلمانان و دولت متمرکز متداخل است و معمولاً کلیسا و دولت مرکزی در یک سوی این بازی و در برابر نهادهای اسلامی قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر در حالی که گرایش به اسلام بالا است، مسیحیت ارتدوکس از بی‌توجهی معتقدان خود در رنج است. کلیسای ارتدوکس مستقل روسیه^۱ - که از کشیشان جوان‌تر و مستقل‌تری تشکیل شده که ساختار رسمی کلیسای ارتدوکس آنان را نپذیرفته‌اند - ضمن رد آمارها و ادعاهای کلیسای ارتدوکس روسیه، اعلام کرده است که تنها یک درصد روس‌ها در نیایش‌های کلیسا شرکت می‌کنند. این در حالی است که کلیسای ارتدوکس روسیه پیشتر اعلام کرده بود ۸۰ درصد مردم روسیه ارتدوکس هستند. به طور کلی، هم اکنون رویکرد به اسلام در روسیه بسیار شدید است. در حالی که آیین ارتدوکس حتی از سوی کسانی که به آن باور دارند با بی‌مهری بسیار رو به رو است (Maryniak, 1999: 54).

نتیجه‌گیری

شمار مسلمانان روسیه قابل توجه است. مسلمانان با ۲۰-۱۵ درصد جمعیت کل کشور، بزرگ‌ترین اقلیت قومی، زبانی، دینی، فرهنگی و نژادی این کشور را تشکیل می‌دهند. با روند کنونی نوزایی دینی در فدراسیون روسیه و رشد جمعیت مسلمان این کشور، نقش آنان روز به روز مهم‌تر و تاثیر گذاری آنان بیشتر می‌شود. پس از فروپاشی شوروی، سازمان‌های اسلامی فرصتی یافته‌اند تا خود را بازیابی و تقویت نمایند. با رشد فعالیت‌های سازمانی مسلمانان، ساختارهای کانونی نسبتاً نیرومندی پدید آمد که در راس آن، بزرگ‌ترین

^۱ - Russian Orthodox Autonomous Church

و یا مردمی‌ترین رهبران مسلمان قرار دارند. در روسیه امروز دو سازمان «مرکز روحانی مسلمانان روسیه» و «شورای مفتیان روسیه» سازمان یافته‌ترین و بزرگ‌ترین تشکیلات اداری و دینی هستند. طلعت تاج الدین و راویل عین الدین، رهبران این دو سازمان نیز برجسته‌ترین رهبران مسلمان هستند. جایگاه عین الدین به خاطر شمار نهادهای زیر نظارت او و اقبال مردمی که به او وجود دارد، یگانه و برتر است. او از روحانیان آگاه و مستقل روسیه است که مقامات حکومتی می‌کوشند برای افزایش مشروعیت خود نزد مسلمانان و به ویژه برای باوراندن نیک خواهی خود به مسلمانان به او نزدیک شوند.^۱ از سوی دیگر، اشخاص و سازمان‌های وابسته به دولت او را متهم به ارتباط با تندروها و وهابیان می‌نمایند. این ادعا حتی از سوی رقیبان روحانی او نیز طرح می‌شود. از جمله، مفتی طلعت تاج الدین و طیف همسو با او که به نوگرایی و تجدد، همسویی با دولت و کلیسای ارتدوکس معروف هستند این ادعاها را طرح کرده و پیگیری می‌کنند.

تقابل درونی میان مسلمانان، نخستین و ریشه‌ای‌ترین رویارویی نهادینه رهبران و ساختارهای اداری-دینی مسلمانان است. افزون بر این در سرزمین روسیه، مسلمانان با دو ساختار نیرومند در ارتباط هستند: یکی دولت و دیگری کلیسا. دولت مرکزی برای پایش مسلمانان از ابزار رو در رو قرار دادن سازمان‌های اداری-دینی مسلمانان بهره می‌گیرد. دستگاه حاکمیت روسیه ضمن پشتیبانی از نیرومندترین سازمان‌های اسلامی، می‌کوشد با ابزار توزیع نابرابر امکانات مادی و غیر مادی، رقابت آنان را تشدید کند. سازمان‌های اسلامی نیز می‌کوشند با نزدیکی بیشتر به حکومت، موقعیت اجتماعی خود را بهبود بخشند.

کلیسا نیز خود را هم‌اورد اسلام می‌پندارد و از این رو می‌کوشد با بهره گرفتن از نفوذ خود در ساختار دولتی و نظام سیاست گذاری و تصمیم سازی روسیه، نفوذ مسلمانان و سازمان‌های اسلامی را کمتر کرده، موقعیت برتر کلیسا را تداوم بخشد. کلیسا بدین منظور از بخشی از روحانیت مسلمان و طیف بسیار متجدد مسلمانان بهره می‌گیرد. همچنین سیاست‌هایی که حکومت تدوین، تصویب و اجرا کرده، بسیاری از خواسته‌های کلیسا را تامین می‌کند. از این رو، کلیسا و دولت در یک پیمان نا آشکار ولی استوار، هویت

^۱. برای نمونه، ولادیمیر بوتین در نخستین گفتگوی رسانه‌ای که پس از انفجار مرکز خرید در پایتخت اوستیا انجام داد، عکس مشترکی که با راویل عین الدین گرفته بود را در پشت سر خود قرار داده بود. گویا هدف وی، ایجاد باور برای همکاری مشترک میان خود و نهادهای حکومتی با مردم مسلمان و به ویژه طیف مومنان می‌باشد.

روس- ارتدوکس روسیه را در جامعه تداوم می‌بخشند. بیداری اسلامی - در کنار غرب گرایبی بی حد و مرز- بزرگ‌ترین چالش درونی برای این هویت سنتی روسی است که کلیسا و دولت از آن بیمناک هستند.

همانگونه که فرضیه مقاله بیان می‌دارد یکی از ویژگی‌های اصلی اسلام در روسیه، تقابل نهادین درون گروهی میان رهبران برجسته و سازمان‌های مرکزی مسلمانان روسیه است. رویارویی عموماً ناپیدا و نا آشکار میان کلیسای ارتدوکس (با پشتیبانی دولت روسیه) ویژگی ساختار دیگر اسلام در روسیه می‌باشد. دولت مرکزی (مسکو- کرملمین) با هدف پایش مسلمانان و جلوگیری از نیرومند شدن آنان، از راهبرد رو در رو قرار دادن رهبران برجسته مسلمانان روسیه استفاده می‌کند و از این رو، سیاست‌های دولت با راهبردهای کلیسا همسو است. در نتیجه، گروهی از مسلمانان مومن روسیه که به اسلام و دستورات آن عمل می‌کنند به این رویارویی درون و برون گروهی رهبران و سازمان‌های اسلامی گاه با دید جانبدارانه می‌نگرند و به سوی جانبداری از یکی از نسخه‌های محافظه کار یا پیشرو رفته و شمار اندکی از آنان نیز به برداشت‌های تندرو و وارداتی (بیشتر وهابی) از اسلام روی می‌آورند.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی ترکمان، ابوذر، " فرهنگ روس، ویژه نامه اسلام و مسلمانان در روسیه " شماره ۲۸ راینزی فرهنگی سفارت ج.ا. در مسکو، پاییز ۱۳۸۸.
۲. ایراس، " وضعیت مسلمانان روسیه "، شماره ۷، بهمن ۱۳۸۴.
۳. براری، خدیار، " مسلمانان روسیه؛ پلی به جهان اسلام "، دو ماهنامه تحولات ایران و اوراسیا، شماره ۲۵، مهر و آبان ۱۳۸۸.
۴. دیاب، احمد، " بحران جمعیت در روسیه، ایراس "، شماره ۷، خرداد ۱۳۸۵.
۵. سنایی، مهدی، " اسلام در روسیه: دوره اول شکل گیری "، فصلنامه مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز (ایراس). سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۵.
6. Globe, Paul, " **Plan to unite Russia's Muslim hierarchies collapsed** ", Radio Free Europe, Radio Liberty, December 15, 2009.
7. Gusejnov, Gasan, " **Reinventing Russia: Islam, (the threat within)** ", Translated by Vera Rich, Sage Publication Online, 2005.
8. Hunter, Shireen. T, " **Islam in Russia, the politics of identity and security**", Armonk, NY: me. Sharpe, 2003.
9. Tajuddin, Talgat, " **Address by Supreme Mufti Shaikh-ul-Islam Talgat Tajuddin, Chairman of the Central Moslem Board for Russia and The European (CIS)** ", Русская православная церковь, Архив офитциального сайта московского патриархата 1997-2009, 14.12.1999.
10. Malashenko, Alexey, " **Islam In Russia In 2020**", in: Amel Boubekeur, Samir Amghar, Rob De Wijk & Alexey Malashenko, *Between Suicide Bombings and The Burning Banlieues, The Multiple Crises of Europe's parallel Societies*, European Security Forum: A Joint Initiative of CEPS, IISS & DCAF, ESF working paper no. 22, June 2006.
11. Margolis, Eric, " **Chechnya: We will make you fill what we fill** ", April 8, 2010, www.huffingtonpost.com.
12. Maryniak, Irena, " **After the fall: Russia and the Religion, (In God we trust)**", 1999.
13. Masnet & News Agency, " **Over 5000 mosques built in Russia during past decade** ", November 28, 2003. <http://masnet.org/news.asp?id=704>.
14. Pilkington Hilary and Galina Yemelianova (eds), " **Islam in Post-Soviet Russia** ", public and private faces, Rout ledge Curzon, London and New York, 2003.

15. Russia Weekly, " Russian Muslim leader rebuffed after call for holy war against US ", April 3, 2003, AFP. www.cdi.org/russia/251-8-pr.cfm.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی